



بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی - 12 / آبان / 1395

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبيّنا ابي القاسم المصطفى محمد و آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيّما بقية الله في الارضين.

جلسه بسیار بسیار نورانی است به خاطر حضور شما جوانها و نوجوانها ؛ انعکاس انوار الهی در دل نورانی جوان، دل باصفای جوان، فضا را روشن میکند، متلألئ میکند و امثال این حقیر هم از صفای دل شما و از تلالؤ انوار الهی در قلبهای پاک شما بهره‌مند میشود. خیلی خوش‌آمدید ؛ جلسه را هم خیلی خوب شروع کردید، تلاوت بسیار خوب و استادانه و زیبای این برادر عزیزمان، آیاتی که انتخاب کرده بودند، بعد هم این سرود دسته‌جمعی زیبا -هم خوش‌مضمون، هم خوش‌آهنگ- جلسه را بحمدالله معطر کرد به عطر ابتکارهای جوانی شما.

خب جلسه به مناسبت سیزدهم آبان است، یعنی فردا. سیزدهم آبان اگرچه محلّ تلاقی چند حادثه است -حادثه‌ی تبعید امام بزرگوار، حادثه‌ی کشتار دانش‌آموزان در خیابانهای تهران- لکن آن چیزی که این روز را برجسته کرده است، حادثه‌ی تصرف و تسخیر سفارت آمریکا یا به معنای درست لانه‌ی جاسوسی آمریکا است. بنابراین روز سیزدهم آبان که نام آن را در کشور روز [مبارزه با] استکبار نهاده‌اند، به نظر من -ضمن اینکه آن نام، نام درستی است- روز جوان است ؛ روز جوان مؤمن، جوان انقلابی، جوان شجاع، جوان دلاور، جوان مبتکر، جوانی که دست به کاری میزند که دشمن را از ابتکار، و از حرکت باز میدارد. به این معنا روز جوان است.

از آن روز سالها گذشته لکن معنای آن روز همچنان باقی است. اینکه شنیدید امام این حرکت را انقلاب دوّم نامیدند، بی‌معنا نیست ؛ از ساعات اوّل پیروزی انقلاب بلکه حتی قبل از انقلاب دشمن درصدد توطئه برآمد. آمریکایی‌ها چند روز قبل از پیروزی انقلاب آدم فرستادند اینجا که شاید بتوانند یک کودتایی راه بیندازند و حرکت مردم را خنثی کنند که البته نتوانستند. بعد هم که انقلاب پیروز شد، انواع و اقسام تلاشها را کردند ؛ چه تلاشهای سیاسی رسمی که سنای آمریکا از همان روزهای اوّل علیه جمهوری اسلامی موضع گرفت، اعلام خصومت کرد، اعلام تحریم کرد -که این راههای رسمی بود، راههای علنی بود- چه از راههای غیر علنی، که تماس گرفتند با عوامل خودشان، با مزدوران خودشان در داخل کشور که شاید بتوانند از حضور قومیت‌های مختلف برای ایجاد اختلاف در میان ملت استفاده کنند، که تو دهنشان خورد. هم خود قومیت‌های ما -عرب ما، ترک ما، کرد ما، لُر ما، ترکمن ما، که همه آماج این توطئه بودند- در مقابل آمریکا ایستادند و هم جوانان مؤمن، جوانانی که آن روز، هنوز اسم پاسدار رویشان نبود، اسم بسیج رویشان نبود اما به معنای حقیقی کلمه پاسدار انقلاب بودند و بسیجی راه انقلاب بودند، رفتند توطئه‌ی آمریکا را خنثی کردند. بنابراین آمریکایی‌ها از ساعت اوّل شروع کردند و اینها همه غیر از کارهایی بود که در داخل سفارت آمریکا همین‌جا در تهران انجام میگرفت.

بعد از آنکه جوانهای ما رفتند و این مرکز را تسخیر کردند و با زحمت زیاد توانستند کاغذهایی را که خرد شده بود، مدارکی را که در کاغذخردکن ریخته شده بود، گردآوری کنند، جمع کنند، به هم بچسبانند و به صورت کتاب دریاورند، آن وقت معلوم شد که چه توطئه‌هایی هم در طول این مدّت در داخل سفارت آمریکا وجود داشته. این کتابها حدود هفتاد جلد است ؛ شماها خوانده‌اید اینها را؟ چرا هیچ نشانی از مضامین برگزیده‌ی این کتابها در مجموعه‌ی مدارس



ما، دبیرستان‌های ما، دانشگاه‌های ما نیست؟ چرا؟ این یکی از اعتراض‌های من است. وزیر جدید محترم آموزش و پرورش (۱) اینجا در جلسه هستند؛ چرا اینها را داخل کتابهای درسی قرار نمیدهید؟ چرا نمیگذارید نسل جوان ما، نسل جدید ما بفهمد و بداند که آمریکا با اینجا چه کرده است و چه توطئه‌هایی زیر سر داشته؟

حرکت دانشجویان برای تسخیر سفارت، واکنش به این همه خباثت بود که پیروزمندانه اتفاق افتاد؛ یعنی جلوی تحرک ابرقدرت پُرروی زیاده‌خواه آمریکا را در داخل کشور گرفت؛ انقلاب یعنی این. آن ابرقدرتی که عادت کرده بود ۲۵ سال، ۳۰ سال هرچه اراده میکند در ایران اتفاق بیفتد و انجام بدهد، انجام میدهد و ایران مال او است، متعلق به او است، دولتش، حکومتش، پادشاهش، نفتش، ذخایرش، معادنش، آینده‌اش، همه چیزش مال او است و حالا از دستش گرفته شده بود و درصدد تهاجم بود، دید جوانها جلوی این تهاجم را گرفتند و گرفتند و ملت ایران ایستاد و رهبر این حرکت عظیم هم شخص امام بزرگوار بود.

بنده در جزئیات وقایع آن روز قرار داشتم؛ همان روزها مکرر به لانه‌ی جاسوسی رفته‌ام، آمده‌ام، نشسته‌ایم، صحبت کرده‌ایم، با جوانهایی که آنجا بودند، با دیگران، در شورای انقلاب - که آن وقت ما عضو شورای انقلاب بودیم - میدانم که چه تحرکاتی از گوشه و کنار انجام میگرفت برای خنثی کردن این حرکت؛ اما امام ایستاد. عزیزان من! قضیه‌ی آمریکا این است.

من دو خطا را امروز میخواهم تصحیح کنم. دو اشتباه دارد تزریق میشود به افکار عمومی مردم ما. عامل این تزریق هم در درجه‌ی اوّل خود دستگاه استکبار و آمریکا هستند، و درجه‌ی دوّم بعضی آدمها در داخل؛ آدمهایی که - من همه را متهم نمیکنم - بعضی‌شان وابسته‌ی به تشکیلات سرویس‌های جاسوسی یا سیاسی یا مراکز خاصّ آمریکایی هستند، بعضی‌شان هم نه، وابستگی ندارند؛ از نفس افتاده‌ها، پشیمان‌شده‌ها، بوی لذّت دنیا به مشامشان رسیده‌ها. آنها این فکر را، این دو خطا را دارند حواله میدهند به اینها، اینها هم در منبرهای مختلف، در جایگاه‌های مختلف، این را توسعه میدهند و گسترش میدهند؛ داخل دانشگاه، بیرون دانشگاه، در مطبوعات و جاهای مختلف. من این دو خطا را امروز میخواهم تصحیح کنم.

یکی اینکه این جور تبلیغ میکنند که اینکه امام فرمود هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید (۲) - که امروز هم همین حکم جاری است - از سر تعصّب و غرور است یعنی منطقی پشت سرش نیست؛ این را میخواهند ترویج کنند. میخواهند بگویند جوانهای ما، انقلابیون ما، مردم ما، مسئولین ما، که سینه سپر میکنند و در مقابل آمریکا می‌ایستند و نسبت به توطئه‌های او افشاگری میکنند، مردمان متعصّبی‌اند؛ کارشان از روی حمیت (۳) جاهلی و از روی تعصّب است؛ این را میخواهند بیان بکنند. درحالی که درست ۱۸۰ درجه قضیه عکس است. اینکه فرمود هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید، پشتش یک منطق محکم وجود دارد. آن منطق این است که اساس سیاست آمریکا بر افزون‌طلبی و دست‌اندازی است. تاریخ آمریکا در این ۲۵۰ سال که از عمر آن میگذرد، این را نشان میدهد - البته اوایل خیلی کمتر، از حدود صد سال پیش یا اندکی کمتر از صد سال پیش، خیلی بیشتر - سیاست کلی آمریکا این است که امنیت داخلی‌اش را به وسیله‌ی دست‌اندازی به کشورهای جهان و تصرّف مناطق نفوذ فراوان تأمین کند؛ این جور عمل میکنند؛ این سیاست آنها است. این سیاست را در منطقه‌ی غرب آسیا اعمال کردند، در ایران در دوران طاغوت اعمال کردند، در کشورهای همسایه‌ی ما اعمال کردند. بر سر این قضیه با شوروی سابق زورآزمایی داشتند - او به طرف خود میکشید، این به طرف خود میکشید - و ایران منطقه‌ی نفوذ آمریکا بود. اندکی غفلت بعد از پیروزی انقلاب



موجب میشد که دشمنی که از در بیرونش کردیم، از پنجره برگردد؛ امام نگذاشت و جلوی این را گرفت.

اینکه گفتند در مقابل آمریکا بایستید، هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید، به معنای دفاع از ارزشها است؛ نه فقط ارزشهای مخصوص مسلمانها، دفاع از ارزشهای انسانی. امروز به اعتراف خود آمریکاییها، دولت آمریکا و نظام آمریکا از ارزشهای انسانی فرسنگها دور افتاده. این مناظره‌ی دو نامزد [ریاست جمهوری] آمریکا (۴) را دیدید؟ حقایقی که اینها بر زبان راندند دیدید؟ شنیدید؟ اینها آمریکا را افشا کردند. چند برابر چیزهایی را که ما میگفتیم و بعضی باور نمیکردند و نمیخواستند باور کنند، خود اینها گفتند. و جالب این است که آن که صریح‌تر گفت، بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفت. آن مرد چون واضح‌تر گفت، صریح‌تر گفت، مردم آمریکا بیشتر به او توجه کردند. طرف مقابل گفت این پوپولیستی کار میکند؛ عوام‌گرایانه، چرا عوام‌گرایانه؟ برای خاطر اینکه حرفهایش را مردم نگاه میکردند، میدیدند درست است؛ در واقعیّات زندگی خودشان آن را میدیدند. ارزشهای انسانی در آن کشور نابود شده و لگدمال شده است؛ تبعیض نژادی وجود دارد. همین چند روز قبل از این آن مرد در تبلیغات انتخاباتی‌اش ایستاد و گفت شما اگر رنگین‌پوست هستید، اگر سیاه‌پوست و سرخ‌پوست هستید، در خیابانهای نیویورک و شیکاگو و واشنگتن و کالیفرنیا و غیرذلک وقتی راه میروید، نمیتوانید مطمئن باشید که تا چند دقیقه‌ی دیگر زنده‌اید. شما ببینید! این حرف را کسی دارد میزند که انتظار دارد چند روز دیگر برود در کاخ سفید، بنشیند آمریکا را اداره کند. نژادپرستی آمریکا یعنی این.

فقر آمریکایی‌ها را [هم گفت]. گفت ۴۴ میلیون نفر در آمریکا گرسنه‌اند. او گفت و دیگران هم گفتند که کمتر از یک درصد مردم آمریکا مالک نود درصد ثروت آمریکا هستند. ارزشهای انسانی در آنجا لگدمال شده است؛ تبعیض، اختلاف، نژادپرستی، لگدمال کردن حقوق بشر. «مرگ بر آمریکا» که شما فریاد میزنید، اینکه گفتند «هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید»، یعنی مرگ بر این چیزها. امام به خاطر همین چیزها گفت که هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید.

اینها همه یک طرف، یک طرف دیگر قضیه و یک عامل مهم دیگر قضیه هم این است که اینها همان روزهای اوّل، زمینه‌ی یک ضربه‌ی بزرگ به ملت ایران را فراهم کردند، یعنی محمدرضا را پناه دادند در آمریکا، برای اینکه او را نگه دارند، زمینه را فراهم کنند، عواملش را در اینجا تقویت کنند، خود او هم باشد، بعد همان کاری را که در ۲۸ مرداد سال ۳۲ انجام دادند - یعنی ۲۵ سال قبل از آن تاریخ - دومرتبه انجام بدهند. در ۲۸ مرداد هم محمدرضا از ایران فرار کرد؛ انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها دست به دست هم دادند، مخفیانه آمدند داخل، از سفارت‌های گوناگون استفاده کردند، پناه گرفتند، عوامل خودشان را تجهیز کردند، آماده کردند، از غفلت آن روز مردم استفاده کردند، دومرتبه محمدرضا را برگرداندند و همان برگرداندن بود که ۲۵ سال تسمه از گرده‌ی این ملت کشید و پدر این مردم را درآورد. اینها میخواستند این کار را دوباره انجام بدهند، [اما] امام جلوی این را گرفت، سد کرد، ملت ایران را بیدار کرد و ملت ایران بیدار شدند. بنابراین این شعار ضدّ آمریکایی، این فریاد کشیدن بر سر آمریکا از روی تعصّب نیست، از روی جهالت نیست، از روی لجبازی نیست؛ از روی منطق است؛ مثکی به یک پشتوانه و عقبه‌ی منطقی و فکری است. پس هم جوانهای عزیز ما، هم کسانی که مینویسند و میگویند و دارای منبر هستند برای گفتن - منبر مطبوعات، منبر دانشگاه، منبر کلاس درس، منبرهای گوناگون - بدانند و توجه کنند که اگر امروز ملت ایران شعار ضدّ آمریکا میدهد و قبلاً هم در این سی و چند سال شعار میداده است، به خاطر یک منطق محکم است.



در طول این سالها هم ما هشت سال با صدام جنگ داشتیم، آمریکایی‌ها پشت سر صدام محکم ایستادند؛ هرچه توانستند به او کمک کردند. [آمریکایی‌ها] بعد از جنگ یک جور، قبل از شروع جنگ یک جور، در دوران جنگ یک جور، تا امروز یک جور، در قضیه‌ی برجام یک جور، بعد از برجام یک جور [دشمنی کردند]. چند روز قبل از این، همین آقای مذاکره‌کننده‌ی آمریکایی (۵) صریحاً ایستاد و گفت -و در تلویزیون ما هم پخش شد- که ما بعد از برجام هم ایران را تحریم کردیم. آمریکا این است. ایستادگی ملت ایران در مقابل آمریکا ایستادگی متکی به منطق است. [پس] خطای اول این بود که می‌خواهند وانمود کنند مردم از روی لجابت در مقابل آمریکا ایستاده‌اند. واقع قضیه عکس این است؛ مردم از روی منطق در مقابل آمریکا ایستاده‌اند. این تصحیح خطای اول.

خطای دوم؛ فکر غلط و خطائی که این هم باز دارد به‌نحوی از سوی آمریکایی‌ها تزریق میشود و کسانی هم در داخل آن را ترویج میکنند و از اولی خطرناک‌تر است، این است که اگر ما با آمریکا سازش کنیم، مشکلات کشورمان حل خواهد شد.

[این] از آن اشتباهات عجیب و غریب و بسیار خطرناک [است]. [می‌گویند] اگر ما با آمریکا سازش کردیم، مشکلات کشور حل میشود. خب، حالا ده تا دلیل میشود شمرد برای اینکه این حرف غلط است، این حرف دروغ است، این حرف فریب است. سازش با آمریکا مشکلات کشور را به‌هیچ‌وجه حل نمیکند؛ نه مشکلات اقتصادی را، نه مشکلات سیاسی را، نه مشکلات امنیتی را، نه مشکلات اخلاقی را، بلکه بدتر خواهد کرد. ده پانزده دلیل وجود دارد و میشود شمرد و ردیف کرد برای این قضیه؛ آخری‌اش همین قضیه‌ی برجام است. من چقدر در طول مذاکرات گفتم که اینها بدعهدند، اینها دروغ‌گویند، اینها پای حرفشان نمی‌ایستند؛ حالا ملاحظه میکنید! امروز آن کسی که دارد می‌گوید آنها بدعهدند دیگر من [فقط] نیستم؛ مسئولین محترم کشور، خود مذاکره‌کنندگان ما که این‌همه زحمت کشیدند، یک سال و خرده‌ای مذاکره کردند، رفتند، نشستند، برخاستند؛ ده روز، پانزده روز، بیست روز خارج از کشور، پشت میز مذاکره با آن‌همه زحمت، عرق ریختند، زحمت کشیدند، آنها دارند می‌گویند.

در همین جلسه‌ی وزرای خارجه‌ای که در نیویورک، در حدود یک ماه قبل تشکیل شد، (۶) وزیر محترم خارجه‌ی ما هم شرکت کرد، آنها هم شرکت کرده بودند؛ در آن جلسه وزیر خارجه‌ی ما یک کیفرخواست بزرگی علیه آنها ذکر میکند؛ می‌گوید شماها این کار را کردید که نباید میکردید، این کار را نکردید که باید میکردید؛ یک کیفرخواست، یک ادعای نامه؛ جوابی هم نداشتند؛ خب اینها [این‌طور] هستند؛ سازش کنید سر سوریه، سازش کنید سر حزب‌الله، سازش کنید سر افغانستان و پاکستان، سازش کنید سر عراق، سازش کنید سر مسائل داخلی؛ با چه کسی؟ با آن کسی که لحظه‌ای از دشمنی فروگذار نمیکند. هدفشان این است که نگذارند این ملت رشد کند، هدفشان این است که نگذارند مشکلات اقتصادی این کشور حل بشود؛ [آن وقت] اینها می‌آیند کمک به حل مشکلات کنند؟

اولاً طرف دروغ‌گو است، فریب‌گر است، بدعهد است، خنجر از پشت بزن است، در همان حالی که دارد با یک دست دست میدهد، به قول خودشان یک مشت سنگ در دست دیگرش است که بزند به سر طرف مقابل. طرف، این جور آدمی است. ثانیاً آمریکا می‌خواهد مشکلات ملت ایران را حل کند؟ خود آمریکا دچار بحران است؛ این را چرا نمی‌گویند؟ این را همه‌ی دستگاه‌های مهم قضاوت‌کننده‌ی در این‌گونه مسائل در دنیا، حتی خود آمریکایی‌ها دارند می‌گویند. آمریکا دچار بحران است؛ بحران اقتصادی، بحران بین‌المللی، بحران سیاسی، بحران اخلاقی؛ خودش دچار بحران است. امروز قرضه‌های دولت آمریکا تقریباً نزدیک به تولید ناخالص کل آمریکا است؛ این نشانه‌ی بحران است، این را



اقتصاددان‌ها میگویند. میگویند هر وقتی که دیون یک دولت نزدیک شد به تولید ناخالص یک دولت، این دولت در حال بحران است؛ این اقتصاد اقتصاد بحرانی است؛ امروز آمریکا این جوری است. آن مقداری که بدهکار است، نزدیک به حدود شصت و چند درصد تولید ناخالص ملی‌اش است؛ این می‌خواهد به چه کسی کمک بکند؟ این می‌خواهد ب‌م‌کد، این می‌خواهد بکند تا خودش را ترمیم بکند؛ این می‌آید به اقتصاد کشوری کمک کند؟ این از لحاظ اقتصادی.

از لحاظ سیاسی [هم] دچار بحراند. امروز بدون استثنا، در هر نقطه‌ای از دنیا - این را من با قاطعیت عرض میکنم - که یک ملتی قیام کند، حرکت کند علیه مستبدی، علیه دولتی، علیه حکومتی، شعارش «مرگ بر آمریکا» است؛ یک‌روز شعار مرگ بر آمریکا فقط مال اینجا بود؛ امروز در منطقه‌ی غرب آسیا، در منطقه‌ی شرق آسیا، [حتی] در خود اروپا، در منطقه‌ی آمریکای لاتین، در منطقه‌ی آفریقا، ملت‌هایی که قیام میکنند، اولین شعارشان علیه آمریکا است؛ این وضع سیاسی آمریکا است. بحران از این بالاتر؟

آمریکا برای منطقه‌ی غرب آسیا نقشه داشت. ببینید، شماها یادتان نیست، البته مال خیلی وقت نیست، مال ده دوازده سال قبل است، ولی خب شما جوانها آن روز را هم یادتان نیست. وزیر خارجه‌ی آمریکا آن روز آمد گفت که «ما می‌خواهیم یک خاورمیانه‌ی بزرگ درست کنیم»؛ در قضیه‌ی لبنان و جنگ ۳۳ روزه، اسم خاورمیانه‌ی بزرگ را آورد. خاورمیانه‌ی بزرگ یعنی چه؟ آنها اسم منطقه‌ی غرب آسیا را میگویند خاورمیانه؛ خاورمیانه‌ی بزرگ یعنی یک منطقه‌ای از حدود پاکستان تا مدیترانه، یعنی تمام این کشورهای این منطقه، خاورمیانه است و آمریکا برای همه‌ی این منطقه یک نقشه‌ی کلی کشیده بود که همه‌ی اینها را با محوریت اسرائیل توی مشت نگه دارد؛ خاورمیانه‌ی بزرگ یعنی این. امروز وضع این خاورمیانه‌ی بزرگ آن وزیر خارجه - که بیچاره یک خانمی هم بود که این حرف را زد - (۷) به جایی رسیده که اینها در قضیه‌ی سوریه مانده‌اند، در قضیه‌ی عراق مانده‌اند، در قضیه‌ی لبنان مانده‌اند، در قضیه‌ی شمال آفریقا مانده‌اند، در قضیه‌ی لیبی پا در گل مانده‌اند، در قضیه‌ی یمن خودشان را وارد قضیه کرده‌اند [اما] مانده‌اند؛ این وضع سیاسی بین‌المللی آمریکا است. بحران از این بالاتر؟ این می‌خواهد بیاید به کمک شما؟ این می‌خواهد بیاید مشکلات کشور را حل کند؟

ما در نقطه‌ی مقابلیم؛ خدا را شکر؛ این کار خدا است؛ این لطف خدا به این ملت است که به آنها شجاعت داد، به آنها بصیرت داد، به آنها استقامت داد، مشکلات را تحمل کردند، مردان و زنان مؤمن این ملت توانستند جوری مشی کنند و جوری عمل کنند که امروز ملت ایران در خاورمیانه سربلند است. در عراق، در سوریه، در لبنان، در یمن، در منطقه‌ی خلیج فارس، در هرجا که شما نگاه میکنید، ایران یک چهره‌ی درخشان است. [آنها] از لحاظ اقتصادی در بحراند، از لحاظ سیاسی در بحراند، از لحاظ بین‌المللی در بحراند، از لحاظ اخلاقی در بحراند. از لحاظ اخلاقی - چه در زمینه‌ی مسائل مربوط به اخلاق جنسی، چه [مسائل] مربوط به مفاسد مالی - [براساس] حرف‌هایی که خودشان میگویند، در مطبوعات خودشان منتشر میشود، حرف‌هایی که خودشان می‌زنند - البته این خیلی کمتر از واقعیت است - و آنچه حالا این دو نامزد محترم ریاست جمهوری‌شان (۸) که یکی از اینها بالاخره چند روز دیگر خواهد رفت در کاخ سفید و رئیس‌جمهور آنجا خواهد شد، لابد حرف بی‌حساب نمی‌زنند؛ دوتایی باهم بدند، اما دست‌به‌دست هم داده‌اند برای افشاگری آمریکا و برای نابود کردن آبروی آمریکا و موفق هم شده‌اند. (۹) این کشور چطور می‌خواهد بیاید به ایران کمک کند؟ چرا این غلط را در ذهنها می‌گذارند که «اگر با آمریکا مشکلاتمان را حل کردیم و سازش کردیم، مشکلات کشور حل خواهد شد»؟ نه آقا جان! سازش با آمریکا مشکلات کشور را حل نمیکند، بلکه افزایش خواهد داد



؛ مشکلات سیاسی ای اگر داشته باشیم، مشکل اقتصادی اگر داشته باشیم ؛ مشکلات ما را خودمان باید حل کنیم ؛ مشکلات ما را شما باید حل کنید، شما جوانها.

بگذارید من چند جمله حالا اینجا به شما جوانها بگویم ؛ عزیزترین کسان ما شما هستید دیگر ؛ شما مثل بچه‌های من هستید، فرزندان ما هستید، جوانهای ما هستید، امیدهای ما هستید، آینده‌ی ما دست شما است، آینده‌ی این کشور دست شما است. ما که می‌رویم ؛ شما باید که هستید، شما هستید که این کشور را باید اداره کنید. چند جمله به شما عرض بکنم. عزیزان من! خودتان را برای آینده آماده کنید ؛ خودتان را برای اداره‌ی این کشور آماده کنید. علاج مشکلات این کشور -چه مشکلاتی که امروز داریم، چه مشکلاتی که بعدها خواهیم داشت، چه مشکلاتی که هر کشوری و هر ملتی دارد ؛ بالاخره هیچ کشوری که بدون مشکل نیست- و حلّ این مشکلات، در گرو جوشیدن اراده و استقامت از درون ملت است ؛ از درون ملت بایستی اراده، استقامت، عزم راسخ، ایستادگی بجوشد ؛ چشمها، باز ؛ روحیه‌ها با توکل به خدا و اعتماد به نفس، قوی. اگر به خدا توکل داشته باشیم و به خودمان اعتماد کنیم، روحیه‌هایمان قوی خواهد بود ؛ هم در زمینه‌ی علمی، هم در زمینه‌ی مدیریتی، هم در زمینه‌ی اداری. آنچه من بر روی آن تکیه می‌کنم روحیه‌ی انقلابیگری است ؛ این روحیه را باید حفظ کنید. معنای روحیه‌ی انقلابی چیست؟ معنایش این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی میکند، گره‌گشایی میکند ؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده‌ی روشن حرکت میکند ؛ انقلابی‌گری یعنی این ؛ این [فرد] انقلابی است ؛ این روحیه‌ی انقلابی را باید حفظ کرد.

بعضی‌ها عکس این عمل میکنند، بعضی‌ها عکس این حرف می‌زنند، بعضی‌ها عکس این مدیریت میکنند ؛ جوان را به آینده بی‌اعتماد میکنند، به انقلاب بی‌اعتماد میکنند، جوان را از نفس گرم امام دور میکنند ؛ خب این خراب میشود دیگر ؛ آن وقت از زمانه هم مینالند! از زمانه هم مینالند. زمانه را چه کسی می‌سازد؟ به قول صائب: جُرم زمانه‌ساز فزون از زمانه است ؛ (۱۰) زمانه را چه کسی می‌سازد؟ زمانه را من و شما می‌سازیم ؛ ما زمانه‌سازیم. اگر زمانه بد باشد، به من و شما باید نگاه کرد ؛ ما هستیم که زمانه را می‌سازیم. ما وقتی که گام‌هایمان را محکم برداشتیم، ما وقتی که توصیه‌ی امام را ندیده گرفتیم -آن چشم تیزبین، آن دل حکیم، دل سرشار از حکمت ؛ خوب میدید، خوب می‌فهمید، درست تشخیص میداد ؛ راه را برای ما روشن کرده ؛ وصیت‌نامه‌ی امام دم دست ما است ؛ خب، آن کسانی که تردید دارند این وصیت‌نامه را نگاه کنند ؛ ببینند چه گفته امام- وقتی مردم را از اینها دور میکنیم، جوانها را از اینها دور میکنیم، جوان را به لابی‌گری سوق میدهیم، جوانی را که تمایل به عفت دارد، به سمت بی‌مبالاتی نسبت به مسائل عقتی و مانند اینها سوق میدهیم، خب معلوم میشود نتیجه بد خواهد شد، زمانه خراب خواهد شد. البته خوشبختانه تا امروز نتوانسته‌اند و نخواهند هم توانست ؛ جوان ما خیلی خوب است. [اگر] به اسم آزادی، لابی‌گری را تزریق کنیم، به اسم عقل و نگاه عقلانی، سازش و تسلیم در مقابل دشمن را القا کنیم، خب زمانه خراب میشود دیگر ؛ این راه را بایست با استحکام ادامه داد. امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه می‌فرماید: فْتَزِیْعُ قُلُوبَ بَعْدَ اسْتِقَامَةِ وَ تَصِلُ رِجَالٌ بَعْدَ سَلَامَةِ (۱۱) بعضی از دلها یک روزی مستقیم بودند، در راه راست قرار داشتند، درست حرکت میکردند اما بعد برگردانده شدند. زیغ، یعنی واژگونه شدن ؛ رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا (۱۲) -که در قرآن هست- یعنی خدایا! دل‌های ما را واژگونه نکن ؛ [اگر] درست می‌فهمیدیم، ما را دچار بدفهمی و کج‌فهمی نکن. امیرالمؤمنین می‌گوید: بعضی‌ها یک روزی درست حرکت میکردند، اما دل‌هایشان واژگونه شد. حالا چرا واژگونه میشود؟ خدا که به کسی ظلم نمی‌کند ؛ خودمان هستیم که آلوده‌ی دنیا میشویم، آلوده‌ی محبت‌های بیجا میشویم، آلوده‌ی جاه‌طلبی میشویم، آلوده‌ی رفیق‌بازی میشویم، آلوده‌ی جناح‌بازی و حزب‌بازی میشویم، دلمان واژگونه میشود و از آن راه



درست، از آن استقامت اولی بر میگردیم. وَ تَضِلُّ رِجَالٌ بَعْدَ سَلَامَةٍ ؛ یک روزی سالم بودند، بعد گمراه میشوند. آفت اینها است ؛ جلوی اینها را بایستی گرفت و از اینها باید به خدا پناه برد.

سفارش من به جوانها این است که با چشم باز نگاه کنید، با بصیرت نگاه کنید، هر حرفی را از هر گوینده‌ای نپذیرید. مبدأ حرکت و مبدأ انقلاب، امام بزرگوار است، حرف او را حجت بدانید ؛ نگاه کنید ببینید امام چه میگفت. نگویند اگر امام هم امروز بود، این جوری عمل میکرد ؛ نخیر، این غلط است ؛ ما سالهای متمادی با امام بودیم و امام را بهتر از آنها می‌شناسیم. امام اگر امروز بود، همان فریاد ابراهیمی، همان فریاد بت شکن را امروز هم میزد ؛ همان فریادی که ملت را بیدار کرد و به انقلاب رساند. خب شما که میگویید مرگ بر آمریکا، ما هم که موافقیم، حرفی نداریم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱) فخرالدین احمدی دانش‌آشتیانی

(۲) صحیفه‌ی امام، ج ۱۱، ص ۱۲۱

(۳) غیرت

(۴) دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون

(۵) جان کری (وزیر امور خارجه‌ی آمریکا)

(۶) اولین نشست وزرای خارجه‌ی ایران و ۱+۵، پس از اجرای برجام.

(۷) خنده‌ی حضار

(۸) خنده‌ی معظم‌له

(۹) خنده‌ی حضار

(۱۰) صائب. دیوان غزلیات ؛ «تسلیم میکند به ستم ظلم را دلیر / جُرم زمانه‌ساز فزون از زمانه است»

(۱۱) نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۵۱

(۱۲) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۸